

ائتلاف اُسلو در آزادی دین یا عقیده
مرکز حقوق بشر، نروژ
دانشگاه اُسلو

UiO : Norwegian Centre for Human Rights
University of Oslo

برابری مبتنی بر عدالت

تولید معرفت دینی به منظور

اصلاح قوانین خانواده در اسلام



گزارشی از پروژه تحقیقی ائتلاف اُسلو
در باره قانون خانواده در اسلام

The Oslo Coalition on Freedom of Religion or Belief ©

Norwegian Center for Human Rights

PO Box 6706 St. Olavs plass

NO-0130 OSLO

oslocoalition@nchr.uio.no

Design: Millimeterpress

Cover image: Peter Sanders

Print: Ottesen

Translated by Zamaneh Mofidi

برابری مبتنی بر عدالت

تولید معرفت دینی به منظور اصلاح قوانین خانواده در اسلام
گزارشی از پروژه تحقیقی ائتلاف اُسلو درباره قانون خانواده در اسلام
ماه می ۲۰۱۳

فهرست

۴	درباره این گزارش
۶	خلاصه مطالب
۸	مقدمه
۱۰	مناقشه پیرامون قوانین خانواده در اسلام
۱۳	بستر مباحثات در فقه سنتی: پیشفرض قیومیت
۱۶	تغییر نگرشها درباره عدالت
۱۹	دگرگونی ملزومات اجتماعی عدالت
۲۱	ایجاد فضا برای تغییرات قانونی
۲۴	رویکردهای جدید به متون مقدس
۲۸	پایه های سه گانه اصلاح

خلاصه مطالب

قوانین خانواده در اسلام موضوع حساس و بحث برانگیزی است. در دهه های اخیر، با اینکه بیشتر کشورهای مسلمان تعهدات بین المللی ناظر به ارتقاء حقوق زنان را پذیرفته بودند، یک اراده سیاسی برای "اسلامیزه" کردن حکومت و قوانین آن منجر به وضع احکام تبعیض آمیز جدیدی گردید. با اینحال، تحولاتی مانند اصلاح قانون خانواده در سال ۲۰۰۴ در مراکش که بر اساس منابع اسلامی و قوانین بین المللی حقوق بشر تنظیم شده است، حاکی از آن است که اصلاحات قانونی در جهت برابری جنسیتی امکان پذیر است.

قوانین خانواده در اسلام بر اساس فقهی است که خود در زمانه و شرایطی بسیار متفاوت با جوامع امروزی شکل گرفته است. مانع عمده در مسیر برابری جنسیتی رابطه ایست که علمای سنتی بین وظیفه شوهر در تهیه مایحتاج خانواده در مقابل لزوم اطاعت زن از او ترسیم میکنند. از آن مناقشه برانگیزتر، نظریه سرپرست و قیم بودن مرد است که بر تعریف این رابطه مترتب است و با اصطلاحات حقوقی قیمومت و ولایت توصیف شده است.

عدالت یک ارزش محوری در اسلام است. با اینحال مفهوم عدالت همیشه یکسان نبوده است و درک افراد از آن در طول زمان تغییر کرده است. بحث و مناقشه بر سر قوانین خانواده در اسلام ناشی از دو درک اساساً متفاوت از عدالت است: یکی مفهوم عدالت در مناسبات حقوقی پیشامدرن، انعکاس یافته در فقه سنتی، که تبعیض بر پایه جنسیت و موقعیت را روا میدارد و دیگری بر پایه فهمی نو از عدالت که تساوی حقوق افراد جزء لاینفک عدالت است.

علاوه بر این، واقعیتهای اجتماعی نیز تغییر کرده است. راه حلهای حقوقی، طراحی شده برای برقراری عدالت در یک جامعه قبیلہ ای و یا طایفه ای، برای زنان نان آور در یک ملت-دولت مدرن که در آن زن و مرد از حقوق کامل شهروندی برخوردارند، دیگر کارآئی ندارد.

مروجین قوانین خانواده توأم با تبعیض بر علیه زنان مدعی هستند که مسلمانان می بایست الهی و غیر قابل تغییر بودن این قوانین را بپذیرند. با اینحال محققین مسلمان تمایزات اساسی میان قوانینی که جدیداً به نام قوانین اسلامی مدون شده است با احکام متنوع فقهاء یافته اند. همچنین این تفاوتها میان شریعت الهی و تفسیر فقیهانه از آن، چگونگی رویکرد فقهاء به احکام مربوط به معاملات و احکام مربوط به عبادات و بالاخره سطوح مختلف در مقاصد شریعت اسلامی، کاملاً مشهود است. این چهار تمایز اساسی باعث

شده است تا محققین قوانین خانواده در اسلام را حاصل دست بشر بدانند و در نتیجه قائل به لزوم دگرگونی این قوانین به هنگام دگرگونی در شرایط اجتماعی و یا دگرگونی در فهم منابع دینی شوند.

شارحان متون مقدس اسلامی، قرآن و سنت پیامبر، همواره تحت تاثیر زمینه های اجتماعی، باورهای متداول زمانه و چگونگی درک خود از مفهوم عدالت، اموری که دائما در حال تغییر هستند، به تفسیر این متون پرداخته اند. تغییرات گسترده در محتوا و مفهوم عدالت، توجه مسلمانان را به لزوم بازخوانی متون با هدف کشف پیامهای اخلاقی و مساوات طلبانه اسلام جلب کرده است. خوانشی که احکام سنتی را به چالش بکشد و حاوی عدالت و تساوی حقوق برای زن و مرد باشد.

برای غلبه بر هر گونه مخالفت ظاهری بین تدین و تساوی حقوق و همچنین اجتناب از شکاف بین گروههای سکولار و دینی، فعال در حوزه زنان، جنبشهای زنان مسلمان فعالیتهای خود در جهت اصلاحات قانونی را به گونه ای همزمان بر اساس سه گانه: دین، حقوق شهروندی و واقعیتهای زندگی زنان در جوامع امروزی قرار داده اند. بدین ترتیب، جنبشهای زنان مسلمان در پی مطالبه جایگاه بر حق خود در میانه دیدگاههای متنوع در درون سنت اسلامی هستند.

مقدمه

تحقیقات نوین به تمایز میان شریعت و فقه، تفاسیر مردسالارانه از دین و تفاسیر مساوات طلبانه از آن و همچنین به تنش میان یک فعال در حوزه زنان بودن و یک زن مسلمان خوب بودن توجه نشان میدهد.

این دو عبارت را با هم مقایسه کنید!

نظرات او درباره ازدواج بدلیل عدم همخوانی با عدالت مورد نظر شرع مسئله دار می نماید و به گونه ای منطقی قابل دفاع نیست.

«بنای شریعت بر زندگانی توأم با حکمت و سعادت در دنیا و آخرت استوار است. شریعت در برگزیده عدالت، عطف و خیرخواهی و خردمندیت. هر گونه قانونی که باعث عبور از عدالت به بیعدالتی، رحمت به خشونت، خیر به شر و حکمت به حماقت شود، نمی تواند برگرفته از شریعت باشد».

زنان مسلمانی که در تکاپوی اصلاح قوانین جنسیتی تبعیض آمیز، متبلور در فقه سنتی، هستند، با چنین تنشها و پرسشهایی مواجه میشوند؛ آنان می پرسند: چرا عدالت و برابری، که به اعتقاد مسلمانان در ذات اسلام و شریعت است، نمودی در قوانین خانواده در اسلام ندارد؟ چگونه این عدالت میتواند در قوانین خانواده بازخوانی شود و آیا امکان دارد زنان مسلمان بدون پشت کردن به اسلام، به تساوی حقوق دست یابند؟

«زن زندانی شوهرش است، زندانی بودنی مشابه یک برده. پیامبر خدا مردان را به حمایت از همسرانشان دعوت کرده است بدینگونه که از غذای خود به زنانتان بخورانید و از همان لباسی بر تن آنان بپوشانید که خود بر تن میکنید؛ او عین این کلمات را درباره نگهداری یک برده بکار برده است».

در اینجا ما درباره دستاوردهای جدید اندیشمندان مسلمان در پاسخ به این سوالات بحث خواهیم کرد، دستاوردهایی مبتنی بر دیدگاه مساوات طلبانه، آگاه و متأثر از سنت اسلامی. دستاوردهایی بر مبنای مفهوم نوین از عدالت و حقوق بشر و همچنین واقعیتهای زندگی زنان در اجتماعات امروزی. مطالعات این محققین به واکاوی قوانین خانواده در اسلام و عمق مجادلات در این باره می انجامد و شامل مباحثاتی خواهد بود که زمینه ساز تغییرات قانونی در این حوزه می گردد.

این دو عبارت از یکنفر است، ابن قیم جوزیه (م ۱۲۹۲-۱۳۵۰). با اینحال برای ناظر امروزی این دو سخن در دو قطب کاملاً متضاد قرار دارد. قانونی که در بر گیرنده عدالت، عطف و خردمندی است چگونه میتواند با اندیشه ای که زن را زندانی و یا برده شوهرش می بیند سازگار باشد؟ نقل قول اولی بازتاب کمال مطلوب شریعت به مثابه قانون الهی و نقل قول بعدی نمایانگر چگونگی درک این قانون (شریعت) توسط فقه در سده های میانی اسلامی است.

قسمتی از آراء ابن قیم درباره شریعت که متضمن اصول جاودان عدالت، خیر و حکمت است، مورد استناد و تائید گروهی از مسلمانان قرار گرفته است؛ با اینحال برای آنان

FURTHER READING

- Ziba Mir-Hosseini, “Justice, Equality and Muslim Family Laws”; editors, “Introduction”; both in GEMFL.
- The first quotation from Ibn Qayyim al-Jawziyya is from his I’lam al-Muwaqqi’in ‘an Rabb al-Alamin; the second is quoted in Yossef Rapoport, Marriage and Divorce in Medieval Islamic Society (Cambridge: Cambridge U. Press, 2005).

مناقشه پیرامون قوانین خانواده در اسلام

قوانین خانواده در اسلام موضوع حساس و بحث برانگیزی است. در دهه های اخیر، با اینکه بیشتر کشورهای مسلمان تعهدات بین المللی ناظر به ارتقاء حقوق زنان را پذیرفته بودند، یک اراده سیاسی برای "اسلامیزه" کردن حکومت و قوانین آن منجر به وضع احکام تبعیض آمیز جدیدی گردید. با اینحال، تحولاتی مانند اصلاح قانون خانواده در سال ۲۰۰۴ در مراکش که بر اساس منابع اسلامی و قوانین بین المللی حقوق بشر تنظیم شده است، حاکی از آن است که اصلاحات قانونی در جهت برابری جنسیتی امکان پذیر است.

کارهایی که در خانه انجام میدهند حق الزحمه دریافت می کنند. همچنین در سال ۲۰۰۰ قانون طلاق در مصر اصلاح شد. با اجرای این اصلاحات زنان قادر شدند بدون رضایت شوهر طلاق بگیرند و حتی بر علیه او دعاوی مالی اقامه کنند.

از دهه هفتاد به بعد، دو جریان عمده و متضاد در جهان اسلام توسعه یافته است. اول پذیرش تساوی حقوق زنان که از مجرای مصوبات کنوانسیون زنان سازمان ملل متحد⁸ (CEDAW) به جریان افتاده و مورد تصویب اکثر کشور های عضو، به جزء چند کشور اسلامی، قرار گرفته است؛ از سوی دیگر با ظهور جنبش های سیاسی که خواستار "اسلامیزه" کردن حکومت و قوانین آن شده اند، شاهد عقبگرد و یا ایجاد موانع سخت در مسیر مبارزه برای تساوی حقوق زنان بوده ایم؛ چشمگیر تر از همه، وضعیت اصلاحات قانون خانواده در ایران بود؛ این اصلاحات بعد از انقلاب ۱۹۷۹ برچیده شد.

البته این روند عقبگرد و تضییق حقوق زنان در کشورهای دیگر نیز به وقوع پیوست. به عنوان مثال، در دهه ۹۰ در مالزی یک رقابت برای کسب مشروعیت دینی بین حزب حاکم و مخالفان اسلامگرا، منجر به افزودن تبصره هایی بر قانون خانواده گردید که بر مبنای آن مردان به راحتی قادر به

قانون خانواده، از آنجا که تنظیم کننده نزدیکترین روابط بین زنان، مردان و فرزندان است، همیشه از حساسیت بالایی برخوردار بوده است. در بسیاری از کشورها قانون خانواده تنها موردیست که ارتباط تنگاتنگ خود را با فقه اسلامی حفظ کرده است و به همین دلیل به نماد هویت جمعی مسلمانان تبدیل شده است. مسلمانان طبعاً به هر گونه نقد بیرونی درباره قوانین خانواده در اسلام حساسیت نشان داده و از هر گونه اصلاحی بر علیه آنچه ظاهراً کلام خدا می پندارند، واکنش نشان میدهند. با اینحال قوانین خانواده در اسلام در طول تاریخ همیشه یکسان نبوده است و عواملی مانند تفاوت دیدگاههای فقهی میان مذاهب، آداب و رسوم منطقه ای و فتاوائی که بر اساس واقعیتهای زمان و مکان صاحب فتوا صادر شده باعث تنوع و تفاوت در این قوانین گردیده است.

امروزه این قوانین در کشورهای اسلامی بطور گسترده ای متفاوت است، تفاوتی در گستره قوانین مترقی تونس که تعدد زوجات و طلاق یکطرفه مردان را در دهه پنجاه میلادی غیر قانونی اعلام کرده است تا اجرای بدون تنازل فقه حنبلی در عربستان سعودی، فقهی که قرنهای پیش، در سده های نخست اسلامی، تدوین شده است. این تغییرات هر چند جزئی ولی همواره صورت می گیرد. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲ در ایران، قانونی به اجرا درآمد که به موجب آن زنان مطلقه بابت

⁸ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

طلاق همسران خود و یا اختیار چند همسر شدند؛ هر چند در واکنش، مسلمانان دیگری مانند گروه مالزیائی «خواهران در اسلام»⁹ بر پایه همان اعتقادات اسلامی به مخالفت بر علیه اینگونه تبعیضات برخاستند.

همزمان با کم‌رنگ شدن ابتکارات و قدمهای اولیه اصلاحی، نقصانها و کاستی های قوانین موجود شروع به خودنمایی کرد. این قوانین به گونه ای فزاینده از واقعیت‌های جوامعی که به سرعت در حال تغییر بودند، فاصله گرفته بود. بطور مثال مطالعات مروه شرف الدین بر روی تشکلهای غیر دولتی زنان در مصر حاکی از اعتراض آنان به موارد زیر است:

- شرایطی که زنان می‌تواند بر اساس آن تقاضای طلاق کنند نه تنها محدود بلکه اثبات آن نیز مشکل است.
- صدور حکم طلاق به درخواست زن ، گاه از سوی دادگاه تا هفت سال به طول می‌انجامد.
- شکایت درباره نپرداختن نفقه از سوی مرد به موارد محدودی خلاصه میشود و حتی در صورت صدور حکم ضمانتی برای اجرای آن وجود ندارد.
- با درخواست طلاق از سوی زن، شوهر می‌تواند از بند لزوم تمکین زن سوء استفاده کند و چنین زنانی با پایان گرفتن دوره حضانت فرزند با مشکلات اقتصادی عدیده مواجه میشوند.

مراکش: از صغیری ابدی تا مدیریت مشترک خانواده
با اینحال تغییر ممکن است. در سال ۲۰۰۴ قانون خانواده مراکش (مدونه)^{۱۰} گامهای مهمی بسوی برابری جنسیتی برداشت. به نقل از عایشه الحجامی، در عمل، زن در قانون خانواده سال ۱۹۵۸ تا ابد صغیر بود. زنان هنگام ازدواج تحت سرپرستی پدر و بعد از ازدواج در مقابل دریافت نفقه، موظف به اطاعت کامل از شوهرانشان بودند. در حالی که شوهر بدون هیچ محدودیتی قادر به ازدواج مجدد و حق طلاق یکطرفه بود.

این قانون در سال ۲۰۰۴ با تصویب مدیریت مشترک زوجین در قبال مسئولیت مشترک آنان در خانواده، تغییر کرد.

زن تنها در مواردی خاص و با ارائه شواهدی معتبر قادر به طلاق از طریق محاکم قضائی می‌شد. جدائی از طریق طلاق خُلع صورت می‌گرفت که عملاً به شوهر اجازه می‌داد زن را تحت فشار قرار داده او را وادار به گذشتن از تمام حقوق خود، از جمله حق حضانت فرزند کند. حتی در این صورت نیز پس از طلاق تنها در شرایطی حق حضانت به مادر داده میشد که او دوباره ازدواج نکند و در محلی دور از خانه پدر فرزندانش مسکن نگزیند.

این قانون در سال ۲۰۰۴ با تصویب مدیریت مشترک زوجین در قبال مسئولیت مشترک آنان در خانواده، تغییر کرد. اجازه ولی و سرپرست برای ازدواج زنی که به سن قانونی رسیده است حذف و سن ازدواج برای هر دو جنس هیجده سال تعیین گردید. تعدد زوجات در شرایط بسیار محدود و تنها با نظر قاضی امکان پذیر شد. همچنین حق طلاق، با نظارت قاضی و به گونه ای مساوی، در دسترس زوجین قرار گرفت. در صورت

¹⁰ Mudawwana برگرفته از المدونه مالک بن انس

⁹ Sisters in Islam

FURTHER READING

- On Morocco: Aïcha El Hajjami, “The Religious Arguments in the Debate on the Reform of the Moroccan Family Code”.
- On Malaysia: Zainah Anwar, “From Local to Global”.
- On Egypt: Marwa Sharafeldin, “Egyptian Women’s Rights NGOs”; Mulki al-Sharmani, “Qiwama in Egyptian Family Laws”. (all in GEMFL)

For recent overviews of Muslim family laws and reform efforts around the world, see:

- Abdullahi A. An-Na’im, *Islamic Family Law in a Changing World: A Global Resource Book* (London and New York: Zed Books, 2002).
- *Knowing Our Rights: Women, Family Laws and Customs in the Muslim World* (Women Living under Muslim Laws, 2006, <http://www.wluml.org/node/588>).
- Lynn Welchman, *Women and Muslim Family Laws in Arab States: A Comparative Over view of Textual Development and Advocacy* (Amsterdam University Press, 2007)

طلاق، زن می توانست در خواست سهم از دارائی های بدست آمده در طول مدت ازدواج نماید.

این اصلاحات هر چند بوسیله شخص پادشاه آغاز شده بود ولی از طریق یک روند دمکراتیک گسترش یافت. از یکسو علمای تجدد گرا با استفاده از مباحثات درون دینی و از سوی دیگر تشکل های زنان با استناد به قوانین جهانی حقوق بشر و ضروریتهای جامعه نوین مراکش از این اصلاحات حمایت کردند. مطالعات نشان میدهند هر چند این قانون دارای نقاط ضعف بوده و اجرای آن با مشکل روبروست، با اینحال این حرکت نشان دهنده یک گام قابل توجه در جهت تساوی حقوق زن و مرد در برابر قانون بوده است.

بستر مباحثات در فقه سنتی: پیشفرض قیمومت

قوانین خانواده در جوامع اسلامی کمابیش بر مبنای فقه سنتی است و تلاش فقها برای فهم قانون الهی از طریق تفسیر متون دینی و آیاتی مانند (نساء: ۳۴) بوده است. (بنگرید به جعبه ۱) با اینحال باید توجه داشت بسیاری از احکامی که امروزه اجرا می شود تنظیم شده توسط فقهانی است که در جوامع پدرسالار و اغلب تحت نظام قبیلہ ای می زیستند، جوامعی که در آن برده داری امری پذیرفته شده بود و البته بسیار قبل از آنکه انقلابهای علمی و صنعتی شیوه های حیات زنان و مردان را تغییر دهد. امر مشهود اینکه فقه سنتی در یک روند تاریخی شکل گرفته است و بازتابی است از شرایط اجتماعی ای که امروزه دیگر کاربرد ندارد.

پیشفرض قیمومت در موارد دیگری نیز به عنوان یک توجیه عقلانی برای نابرابری بکار برده شده است. این پیشفرض به مردان حق اختیار کردن چند همسر و حق طلاق یکطرفه داده است. همچنین برای توجیه سهم کمتر زنان در ارث بدلیل وظیفه مردان در پرداخت نفقه و حتی برای توجیه منع حضور زنان به عنوان قاضی و رهبری سیاسی نیز از آن استفاده شده است، بدین ترتیب که چون آنان تحت اختیار و سرپرستی همسرانشان هستند، اگر در مقام امریت قرار گیرند، قادر نخواهند بود بیطرفانه مجری عدالت باشند.

همه این مفاهیم بهم مرتبط اند؛ از یکسو با تمام بندهای احکام خانواده و از سوی دیگر با پیش فرضهای بنیان گرایانه درباره سرشت و قابلیت‌های زنان، منبعث از فقه پیشا مدرن، به همراه خوانشی از قرآن با توجه به این دیدگاه.

همچنین برای توجیه سهم کمتر زنان در ارث بدلیل وظیفه مردان در پرداخت نفقه و حتی برای توجیه منع حضور زنان به عنوان قاضی و رهبری سیاسی نیز از آن استفاده شده است، بدین ترتیب که چون آنان تحت اختیار و سرپرستی همسرانشان هستند، اگر در مقام امریت قرار گیرند، قادر نخواهند بود بیطرفانه مجری عدالت باشند.

احکام فقهی در حوزه خانواده متعدد هستند و با جزئیات تمام تشریح شده اند. به منظور درک رابطه آنان و اینکه چگونه تبعیض جنسیتی محور و اساس اینگونه احکام فقهی قرار گرفته است، بهتر است با توجه به مفهوم سرپرستی مردان بر زنان آغاز کنیم: ولایت پدر یا سرپرست بر زن در هنگام ازدواج و قیمومت شوهر بر او پس از ازدواج.

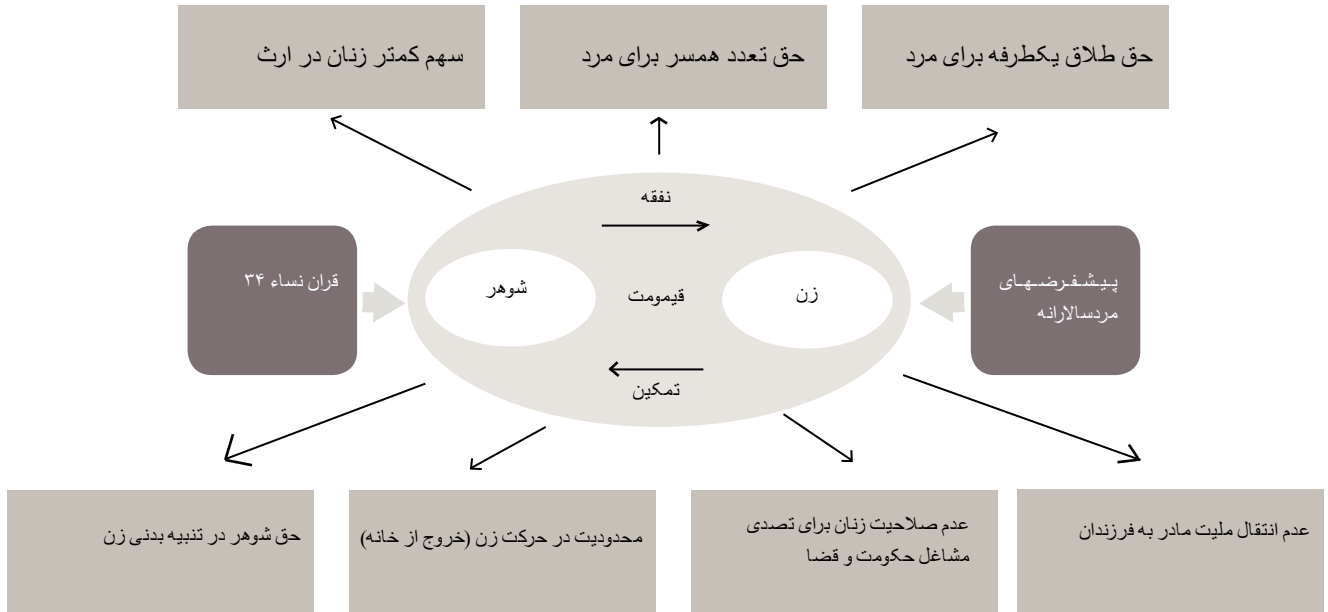
قوامیت مردان، به مفهوم سرپرستان و تهیه کنندگان مایحتاج، بر زنان بر مبنای تفسیر از (نساء: ۳۴)، توسط زیبا میرحسینی چنین توصیف شده است: تفسیر (نساء: ۳۴) نقطه اصلی اتکاء مدل خانواده مردسالار در فقه سنتی و فعلا یک مانع عمده در طریق برابری جنسیتی است. ردپای تعاملات این دیدگاه در تمام زمینه هایی که مربوط به حقوق جنسیتی است دیده میشود، و از همه آشکارتر در قوانینی که فقهی سنتی در رابطه با سازو کارهای قانونی ازدواج وضع کرده اند. قرار داد ازدواج که بصورت یک قرار داد بیع تعریف شده است، وظیفه محوری و اصلی زن را اطاعت (تمکین) در قبال شوهر تعریف میکند، اطاعتی که در مقابل برای او حق دریافت نفقه ایجاد کرده است و طبعاً با عدم اطاعت (نشوز) این حق را از دست خواهد داد.

شکل ۱: پیشفرض قیمومت بعنوان نقطه اتکاء قانون خانواده پدرسالارانه

امروزه ، پیشفرض قیمومت در فقه می تواند یک «بنای اجتماعی»^{۱۱} تعبیر شود؛ واقعیتهای موجود و مفروضه‌های فرهنگی-حقیقت توسط اشخاصی که در تعامل با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی مشخصی بوده‌اند، تشریح شده و شکل گرفته است.

البته باید توجه داشت این پیشفرضها تنها مربوط به فقه مسلمانان نبوده بلکه بطور گسترده در جوامع غیر مسلمان آن دوران نیز شیوع داشته است.

شکل ۱: «پیشفرض قیمومت» نقطه اصلی اتکاء مدل خانواده مردسالار



¹¹ Social construction

جعبه ۱ آیاتی از قرآن که به طور معمول در حمایت از تبعیض جنسیتی به آنان اشاره میشود.

تعداد نسبتاً اندکی از آیات قرآن قابلیت خوانشی مبتنی بر تبعیض جنسیتی دارند

۲:۲۲۲ ، ۲:۲۲۳ ، ۲:۲۲۸ ، ۴:۳۲ ، ۴:۱۶ ، ۴:۱۷ ، ۴:۱۸ ، ۴۳:۱۹ ،

با اینحال بجای اینکه آیه را توصیفی از یک ازدواج ایده آل فرض کرد، ممکن است آن را به عنوان راه حلی برای حل و فصل اختلاف در یک زناشویی تفسیر کرد، موضوعی که با مقررات طلاق مساوات طلبانه در نساء ۳۵ ادامه می یابد و همخوانی دارد. اگر چه کلمه ولی (سرپرست) چندین بار در قرآن در موارد مختلف استفاده شده است، ولی این آیات هیچگاه از طرف فقهاء برای حمایت از نظریه سرپرستی در ازدواج (ولایت) بکار برده نشده است. از اینگونه آیات:

۲:۲۲۱ ، ۲:۲۳۲ ، ۲:۲۳۴ ، ۲:۲۳۷ ، ۴:۲ ، ۴:۳ ، ۴:۶ ، ۴:۲۵ ، ۲۴:۳۲ ، ۶۰:۱۰ ، ۶۵:۴

مستند متن بر قوامیت شوهر ناظر بر آیه نساء ۳۴ می باشد. فهم عمومی از آیه بر مبنای وظیفه شوهر در سرپرستی زن است.

آیه بقره ۲۲۸ میگوید، (... مانند همان -وظایفی- که بر عهده زنان است، به طور شایسته به نفع آنان - بر عهده مردان - است، و مردان بر آنان درجه ای برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است. آیه بقره ۲۲۲ در رابطه با آلودگی ایام قاعدگی است، در حالی که بقره ۲۲۳ شوهران را مخاطب قرار داده و با تشبیه زنانشان به مزرعه به آنان اجازه میدهد هر گاه و هر گونه مایل بودند به مزارعشان درآیند. زخرف آیات ۱۶-۱۹ بنظر میرسد درباره پرستش خدایان مونث بحث میکند و نه موضوعات مربوط به انسانها.

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است و به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کند. پس زنان درستکار فرمانبردارانند به پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار را حفظ میکنند؛ و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید پندشان دهید و در خوابگاهها از ایشان دوری کنید پس اگر شما را اطاعت کردند بر آنها هیچ راهی مجوئید که خدا والای بزرگ است.

در ادامه، آیه نساء ۳۴ درباره زنان صالح به عنوان قاننات (معمولاً مطیع ترجمه می شود) و همچنین چند توصیه به مردان در هنگام برخورد با نافرمانی آنان صحبت میکند،

FURTHER READING:

- Ziba Mir-Hosseini, “Justice, Equality and Muslim Family Laws”, in GEMFL.
- SEE ALSO:
- Ziba Mir-Hosseini, “The Construction of Gender”, *Hawwa* 1 (2003): 1; Mir-Hosseini, “Tamkin: Stories from a family court in Iran”, in *Every Life in the Muslim Middle East*, Eds Donna Lee Bowen and Evelyn A. Early, 136-150 (Bloomington: Indiana University Press, 2002).
- Kecia Ali, *Sexual Ethics and Islam: Feminist Reflections on Quran, Hadith and Jurisprudence* (Oxford: Oneworld, 2006).
- Manuela Marin, “Disciplining Wives: A Historical Reading of Qur’an 4:34”, *Studia Islamica* 98 (2003), 5-10.
- Amina Wadud, *Inside the Gender Jihad: Women’s Reform in Islam* (Oxford: Oneworld, 2006), chapter 6, 187-216, “Qur’an, Gender, and Interpretive Possibilities”.
- Sa’diyya Sheikh, “Exegetical Violence: Nushuz in Quranic Gender Ideology”, *Journal for Islamic Studies* 17 (1997), 49-73.

تغییر نگرشها در باره عدالت

عدالت یک ارزش محوری در اسلام است. با اینحال مفهوم عدالت همیشه یکسان نبوده است و درک افراد از آن در طول زمان تغییر کرده است. بحث و مناقشه بر سر قوانین خانواده در اسلام ناشی از دو درک اساساً متفاوت از عدالت است: یکی مفهوم عدالت در مناسبات حقوقی پیشامدرن، انعکاس یافته در فقه سنتی، که تبعیض بر پایه جنسیت و موقعیت را روا میدارد و دیگری بر پایه فهمی نو از عدالت که تساوی حقوق افراد جزء لاینفک عدالت است.

عین حال آنان با آگاهی از دستاوردهای مسلمانان تجدد گرا در حوزه دین، آن دسته از ادعاهای مذهبی که در تضاد با حقوق بشر و کرامت انسان است را نیز رد میکنند. امروزه این مفاهیم به گونه ای اساسی نسبت به دوران پیشامدرن تغییر کرده است.

از عدالت استحقاقی تا برابری کامل

محسن کدیور میگوید، حقوق زنان تا قبل از دوران مدرن بر اساس درکی از عدالت مبتنی بر فلسفه سیاسی ارسطو محدود گردیده بود. بنا بر این دیدگاه، حقوق برابر برای اشخاص نابرابر غیر عادلانه خواهد بود. حقوق افراد به نسبت قابلیتها و استعدادهای آنان که تصور میشد در طبقات اجتماعی و زن و مرد فطری است، تعریف شده بود. این دیدگاه برای قرون متمادی از نظر مسلمان و غیر مسلمان درست و منطقی می نمود و در فقه پیشا مدرن زنان، بردگان و غیر مسلمانان در قیاس با مردان، افراد آزاد و مسلمانان از موقعیت پست تری برخوردار بودند.

امروزه درک از مقولاتی مانند حقوق افراد، مفهوم عدالت، و اینکه چه چیز شخص را صاحب حق میکند، حتی آنچه یک قانون و یا رفتار عادلانه محسوب می شود، تغییر کرده

به عنوان مسلمانانی که با اعتقاد به یک خدای عادل پرورش یافته بودند، برای زینب انور و دیگر بنیان گذاران تشکیل «خواهران در اسلام» که در دهه هشتاد در مالزی تشکیل شده است، باور به اینکه خداوند قانونی ناعادلانه، سرکوبگرانه و یا توأم با خشونت بر علیه زنان وضع کرده باشد بسیار سخت بود، هر چند که از سوی مقامات دینی به آنان گفته شده بود که کتک زدن زن و یا همسر دوم اتخاذ کردن از حقوق خدادادی به مردان است و اینکه جهنم پر از زنانی است که موهای خود را نپوشانده و یا در برابر شوهرانشان سرکشی کرده اند.

انور می گوید: وقتی شخصا قرآن را خواندیم، کاملاً قانع شدیم که این اسلام نیست که زنان را سرکوب کرده است. بلکه تفاسیری از قرآن است که بر اساس و تحت تأثیر ارزشهای جوامع پدرسالار نوشته شده است.

بطور مشابه، تحقیقات شرف الدین بر روی تشکل های غیردولتی در مصر نشان میدهد تعداد زیادی از فعالان حقوق زنان خود را مذهبی می نامند و حتی ممکن است از مطالبات خود به منظور برابری جنسیتی در مواردی که به باور آنان خلاف آموزه های قرآن است، دست بردارند. در

این پرسش برای تشکل های زنان در جهان اسلام اساسی و زیر بنایی است، همانگونه که در نقاط دیگر نیز چنین است. بحث همچنان بین هواداران دو دیدگاه ادامه دارد؛ از یکسو طرفداران «برابری رسمی»¹² میان دو جنس که خواهان تدوین «قوانین از نظر جنسیتی خنثی»¹³ می باشند و از سوی دیگر حامیان «برابری بنیادی»¹⁴ که مدافع قوانینی هستند که متضمن دستیابی زنان به «فرصتهای برابر»¹⁵ و «دستاوردهای برابر»¹⁶ باشد. مباحثات به این نقطه کشیده شد که به طور مثال آیا زنان برای دست یابی به برابری واقعی، پس از قرنهای «تبعیض منفی»¹⁷ نیاز به «تبعیض مثبت»¹⁸ دارند و همچنین مباحثاتی دیگر مانند دریافت دستمزد برای دوران حاملگی و ریسک زایمان.

بدین ترتیب مسلمانان تجدد خواه حتی با قبول برابری جنسیتی در پیشگاه قانون، نمی توانند یک بسته آماده از راه حل های قانونی ارائه دهند. بلکه باید اذعان کرد قانون خانواده در اسلام نمی تواند یک قانون واحد و غیر قابل تغییر باشد. قانونی که بتواند در یک ساختار اجتماعی مشخص عدالت را تأمین کند ممکن است در ساختار و زمینه دیگر خود عامل بیعدالتی گردد.

به عنوان مثال تشکل های غیر دولتی زنان در مصر، خود بر این باورند که حقوق برابر تنها از مزایای مردانه نمی کاهد بلکه با حذف مزایای زنانه مانند مهریه و نفقه موقعیت و توان چانه زنی زنان نیز تضعیف خواهد شد. این تشکل ها با اینکه از منتقدان جدی وظیفه تمکین زن در قبال شوهر می باشند ولی همچنان خواهان پرداخت نفقه به زن هستند. این امر

است. انسان به دلیل انسان بودن صاحب حق میشود و بر اساس طبیعت انسانی، طبیعتی که در هر دو جنس یکسان است، برخوردار از کرامت میگردد.

این نظر که اغلب بوسیله استدلال های عقلی نیز تایید می شود، عامل برانگیخته شدن مباحثاتی قدیمی پیرامون توانایی های عقل در تشخیص حقیقت شده است: آیا عقل میتواند بگوید چه چیز درست است؟ بسیاری از اندیشمندان مسلمان بر این باورند که درک مدرن از مقوله حق کاملاً در تطابق با روح عدالت طلب اسلام و آموزه های آن است؛ آموزه هایی که منشاء زن و مرد را نفس واحد و آنان را یکسان در وظایف و حقوق در پیشگاه الهی تعریف میکند (بنگرید به جعبه ۲).

فقه های معاصر بسیاری از استدلال های قدیم را رد کرده اند؛ برده داری دیگر منسوخ شده است اما جنسیت هنوز مسأله است. سیستم قدیم بر پایه درکی از طبیعت زن و مرد بنا شده است که دیگر با شواهد و واقعیتهای زنده همخوانی ندارد. تجربیات نشان داده اند که در یک وضعیت برابر در تحصیل و دیگر امکانات، هر آنچه مردان قادر به انجام آن باشند زنان نیز قادر به انجام آن هستند.

تفاوت و برابری

امروزه تساوی حقوق انسانها برای دستیابی به عدالت امری ضروری تلقی می گردد. با اینحال این سخن آنچنان کلی است که مجال طرح دیدگاههای متفاوت درباره چگونگی حصول به این عدالت، به عادلانه ترین روش و با توجه به تفاوت افراد را میدهد. وضعیتی که انور عمون آنرا «پارادکس مساوات» می نامد. در واقع مساوات تنها برخورد یکسان با همه نیست؛ گاهی برخورد یکسان به نوعی ناعادلانه است و برای کسب عدالت باید با افراد متفاوت برخورد کرد. اما در چه شرایطی این برخورد متفاوت عادلانه است و در چه صورت ممکن است منجر به تبعیض ناعادلانه گردد؟

¹² formal equality

¹³ gender-neutral

¹⁴ substantive equality

¹⁵ equality of opportunity

¹⁶ equality of outcomes

¹⁷ negative discrimination

¹⁸ positive discrimination

FURTHER READING

- On old and new understandings of justice: Mohsen Kadivar, “Revisiting Women’s Rights in Islam” Hassan Yousefi Eshkevari, “Rethinking Men’s Authority over Women”.
- On Malaysia: Zainah Anwar, “From Local to Global”.
- On Egypt, Marwa Sharafeldin, “Egyptian Women’s Rights NGOs”.
- On difference and equality: Anver E. Emon, “The Paradox of Equality and the Politics of Difference”. (all in GEMFL)

ممکن است به نظر متناقض برسد. اما همانگونه که شرف الدین اشاره میکند، این همان «پارادکس مساوات» است، یعنی توجه به شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی که اکثریت زنان مصری با آن مواجه هستند؛ شرایطی که دستیابی به «برابری بنیادی» را تنها از طریق «تبعیض مثبت» میسر می سازد، زیرا نه تنها مفهوم عدالت بلکه شرایط اجتماعی دستیابی به آن نیز تغییر کرده است.

معنای مساوات خود ساخته و پرداخته زمینه های مختلف اجتماعی و فرهنگی است. به زبان ساده ، قانون خانواده در اسلام نمی تواند یک قانون واحد و غیر قابل تغییر باشد.

دگرگونی ملزومات اجتماعی عدالت

راه حل‌های حقوقی طراحی شده برای اجرای عدالت در یک جامعه قبیله ای و با طایفه ای دیگر برای زنان نان آور در یک ملت-دولت مدرن که در آن زن و مرد هر دو از حقوق کامل شهروندی برخوردارند، کارآیی ندارد.

مفاهیم مدرن مانند برابری در پیشگاه قانون و عدالت مبتنی بر حقوق فردی و نه عدالت سلسله مراتبی باعث تغییر نقش پدر و مادر نیز گردیده است. در چنین شرایطی «ولایت» و «قیمومت» به جای حمایت خود به موانعی در مسیر حفاظت از حقوق افراد تبدیل شده اند. یعنی فرضاً حقوق فردی فرزندان می تواند از طرف والدین و محاکم قضائی نقض شود و به طور مثال، قرار ازدواجی که بوسیله یک دختر بالغ و رشید بسته شده است می تواند توسط والدین و دادگاه باطل گردد و یا اینکه آنان قادرند او را علیرغم میلش وادار به ازدواج نمایند.

زنان سرپرست خانوار

بررسی پرونده های دادگاه ها در کشورهای مصر، ایران، مراکش و فلسطین (بنگرید به قسمت «مطالعه بیشتر») نشان میدهد که مناسبات ازدواج در این کشورها مستمرا در حال تغییر و فاصله گرفتن از مدل شرعی ازدواج، مورد حمایت از طرف قوانین خانواده است. این قوانین، به تبع فقه سنتی بر این فرض استوار است که مرد نان آور خانواده و زن از نظر اقتصادی وابسته و پیرو اوست. با اینحال در عالم واقع همیشه اینگونه نیست که مرد تنها نان آور خانواده باشد؛ زنان همواره در حفظ خانواده مشارکت داشته اند و با کار در مزارع، صنعت و تجارت و یا در هر موقعیت دیگری، و بخصوص در دورانهای متاخر، نقش آنان در سرپرستی مالی خانواده، حتی گاهی به عنوان تنها نان آور خانواده، روز بروز از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

احکام فقه نشأت گرفته از نظم یک جامعه قبیله ای و نظام اجتماعی مبتنی بر روابط خویشاوندی است. قبیله یا طائفه خود ضمانت کننده حقوق و امنیت یکایک افراد قبیله و همچنین تحت حمایتگان قبیله است. یک نظام اجتماعی بشدت طبقاتی بر اساس فاکتورهایی مانند سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی افراد تصمیم میگیرد چه کسی صاحب چه حقی است. آیات زیادی در قران نمایانگر تلاش برای انسانی کردن این تبعیضات و رسوم پدرسالارانه است. با اینحال با توسعه و تکمیل فقه در مراحل آغازین شهرنشینی و زمانی که روابط قبیله ای در حال تضعیف شدن بودند، فقهاء بجای بسط آموزه های مساوات طلبانه قران، به حفظ و دفاع از شیوه های تبعیض آمیز پدرسالارانه ادامه دادند.

به عنوان مثال، در یک بافت قبیله ای، ولی یا کسی که امر ازدواج به دست اوست موظف به حمایت از منافع فرد تحت قیمومت خود است. محمد خالد مسعود معتقد است در شرایطی که زن جنس محروم محسوب میشود، قیمومت در ازدواج در واقع ابزاری برای ایجاد تعادل و حمایت از زنان بود. اما این سازو کار در عین حال که ایجاد تعادل کرد، همزمان موجب پدید آمدن یک نظام سلسله مراتبی نیز گردید.

امروزه وظیفه حمایت از شهروندان و پاسداری بیطرفانه از حقوق برابر آنان بر عهده دولت است. همین تغییر عمیق در نظامات سیاسی و اجتماعی محققین را به سوی بازنگری در فقه برخاسته از نظام قبیله ای سوق داده است.

FURTHER READING

- On wilaya and qiwama as protection in the tribal context, see Muhammad Khalid Masud, “Gender Equality and the Doctrine of Wilaya”; Faqihuddin Abdul Kodir, “Gender Equality and the Hadith of the Prophet Muhammad”, both in GEMFL.
- On the gap between legal model and marriage practices, see Mir-Hosseini, “Justice, Equality and Muslim Family Laws”; Al-Sharmani, “Qiwama in Egyptian Family Laws”, both in GEMFL. On issues of parental authority, see again Khalid Masud, “Gender Equality and the Doctrine of Wilaya”.
- See also: Ziba Mir-Hosseini, *Marriage on Trial: A Study of Islamic Law* (London and New York: I.B. Tauris, 2002); Nahda Shehada, “House of obedience: social norms, individual agency, and historical contingency”, *Journal of Middle East Women’s Studies* 5/1 (2009), pp. 24-49; Lynn Welchman, *Beyond the Code: Muslim Family Law and the Shar’i Judiciary in the Palestinian West Bank* (The Hague: Kluwer Law International, 2000).

عده ای اینگونه استدلال میکنند که دیدگاه سنتی درباره حقوق و وظایف زوجین در زمان خود از توازن عادلانه ای برخوردار بوده است. در هر صورت امروزه اگر قانون زنان نان آور خانوار را وادار به تمکین از شوهران کند و حقوق کمتری به آنان بدهد، ناعادلانه رفتار کرده است، به عنوان مثال در طلاق با زنی که بار مالی خانواده بر دوش اوست، بنا بر همان تصور نادرست، معامله زنی شود که وابسته مالی مرد است. علاوه بر این باید توجه داشت که اصولاً چنین رابطه ای هم با آموزه های قرآنی و هم با باورهای معاصر درباره همدلی و مشارکت در ازدواج، تضاد دارد. اگر مردان حق سرپرستی دارند، «... به این دلیل که از اموال خود نفقه میدهند ... (نساء: ۳۴)»، در مقابل ممکن است گفته شود پس زنان نیز هنگامی که درآمد داشته و در تأمین مالی خانواده مشارکت میکنند حق سرپرستی و قیمومت در خانواده دارند. با این وجود باید تأکید کرد تشکل های زنان و مطالعات انجام شده در این باره خواهان تعویض نقش دو جنس، بنا بر همان پیش فرض قیمومت که قدرت و سرپرستی خانواده را به قابلیت پرداخت مالی ربط میدهد، نیستند و در عوض آنان خواهان این امرند که قانون دو جنس را در جایگاه برابر و با مسئولیت مشترک در قبایل خانواده قرار دهد، رابطه ای که نمایانگر و بازتاب «مودت و رحمتی» باشد که، بنا بر بیان قرآن، خداوند در قلبهای آنان به ودیعه گذاشته است (روم: ۲۱).

ایجاد فضا برای تغییرات قانونی

مروجین تبعیض در قوانین خانواده مدعی هستند که مسلمانان می‌بایست الهی و غیر قابل تغییر بودن این قوانین را بپذیرند. با اینحال محققین مسلمان چهار تمایز اساسی یافته‌اند که به آنان اجازه میدهد قوانین خانواده در اسلام را حاصل دست بشر بدانند و در نتیجه قائل به لزوم دگرگونی این قوانین به هنگام دگرگونی در شرایط اجتماعی و دگرگونی در فهم منابع دینی شوند.

موضوع دینی بسیار با اهمیت تلقی کرده و مثلا از چند همسری چنان دفاع کنند که گویی یک عبادت است.

اما آیا احکام فقهی از اهمیت یکسان برخوردارند و یا برای همه زمانها و مکانها غیر قابل تغییر هستند؟ اینجاست که اصول فقه اسلامی با قدمت تقریبی هزار ساله، با ترسیم تمایز چهارم، چیز دیگری می‌گوید: هنجارها در شریعت از نظر اهمیت در سطوح مختلف قرار دارند. همانگونه که بوسیله محققان امروزی مورد بحث قرار گرفته است، اصول فقه اسلامی با تمایز قائل شدن بین ارزشهای محلی و محدود به زمان از آنچه زیر بنائی، پایدار و جهانی است، معیاری برای مرتب سازی سطوح مختلف ارزشها و هنجارهای اسلامی ارائه داده است.

سه سطح از هنجارهای اسلامی

مقاصد الشریعه با نظریه اهداف قوانین دینی¹⁹، بوسیله الغزالی و الشاطبی مطرح و تئوریزه شده است. این مقاصد به سه دسته تقسیم می‌شوند که هر دسته قواعد متفاوتی دارند: ضروریات، حجیات و تحسینیات، اصطلاحاتی که بسختی میتوان ترجمه کرد.

محمد خالد مسعود با استناد به الشاطبی این مباحث را دوباره مطرح کرد. او این سطوح با اهمیت متفاوت را بدینگونه تعریف میکند: نیازهای اساسی (ضروریات)، مقتضیات قانونی (حجیات) و ترجیحات اجتماعی (تحسینیات). این سه سطح نه تنها به هم وابسته‌اند بلکه عامل قوام یکدیگر نیز می‌باشند

اول اینکه قوانین امروزی خانواده در جوامع مسلمان دقیقا معادل احکام فقه سنتی نیستند؛ در حالی که فقه مجموعه آراء فقهاء مختلف می‌باشد، قوانین خانواده برداشت و انتخابی معطوف به اراده اصحاب قدرت سیاسی و مدون شده توسط قانونگذاران دولت-ملتهای امروزی است. در این روند انعطاف پذیری و تنوع آراء فقهی که ممکن بود به نفع زنان به کار رود، از دست رفته است.

دوم، بنا بر تمایزی پذیرفته شده، فقه همان شریعت یا قانون الهی نیست؛ فقه در واقع فهمی از قانون الهی توسط انسان طبعا جایز الخطاست. بدین ترتیب فقه می‌تواند تنها یک تخمین توأم با تقریب برای امر الهی باشد. امروزه احساس میشود مفاهیم پدرسالارانه مندرج در فقه سده های نخست اسلامی به نوعی در برابر اهداف شریعت قرار گرفته است، همانگونه که در سخنان این قیّم در مقدمه مشاهده می‌شود.

سوم، علمای مسلمان همواره میان احکام مربوط به «عبادات» یا رابطه بین انسانها و خداوند، با احکام «معاملات» که مربوط به روابط میان انسانها و معاملات در اجتماع آنان است، تمایز قائل شده‌اند. آنان به گونه ای گسترده اجتهاد و تغییرات در احکام معاملات، بنا بر مقتضیات زمان و مکان، را پذیرفته‌اند. موضوعات مربوط به ازدواج در زیر مجموعه «معاملات» قرار دارد.

با همه این احوال قوانین امروزی خانواده مشروعیت خود را از رابطه ای که با بدنه احکام دینی دارد می‌گیرد. این امر باعث شده است تا مخالفان اصلاحات هر حکمی در این باره را یک

¹⁹ The Theory of the Objectives of Islamic Law

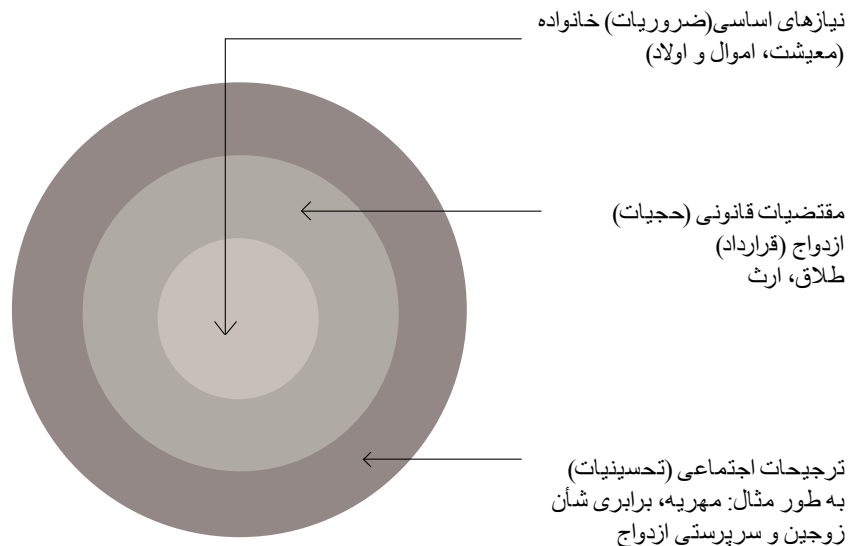
در نتیجه این ارزشها که ممکن است با گذشت زمان تغییر کنند، می‌توانند با ارزشهای فرهنگی جدید جایگزین شوند.

بطور مثال بنا بر نظر الشاطبی مسئله سرپرستی در ازدواج (ولایت) در حلقه سوم قرار می‌گیرد. همانگونه که قبلاً گفتیم، تعیین سرپرست برای زن در ازدواج به منظور حفظ منافع او در جوامعی بود که ساختارشان خود موقعیت زن را آسیب پذیر کرده بود. امروزه نهاد ولایت کاملاً دور از اهداف اولیه خود قرار گرفته است و بالطبع باید با نهاد دیگری جایگزین شود.

و می‌توان رابطه آنان با همدیگر را بصورت سه دایره متحد مرکز نشان داد.

الشاطبی نهاد خانواده را در اولین حلقه به عنوان نیازی اساسی و ضروری قرار میدهد. قوانینی که برای تنظیم قرارداد ازدواج، طلاق، ارث و به طور کلی آنچه برای حفاظت از خانواده وضع میشوند و به خودی خود ضروری و اساسی نیستند در دایره دوم جای می‌گیرند و دایره سوم متعلق به قوانین و ارزشهایی است از قبیل هم‌شأن بودن زوجین (کفو)، میزان مهریه (مهر مثل) و سایر هنجارهای حقوقی که با توجه به فرهنگ های محلی وضع میشوند؛ بنا بر نظر مسعود، فقدان این قراردادها و رسوم اجتماعی در حدی نیست که نقصانی در هنجارهای قانونی که در حلقه دوم قرار دادیم و حافظ نهاد خانواده هستند، ایجاد کنند.

شکل ۲: سه سطح از هنجارهای اسلامی به صورت دایره های محافظ همدیگر (بر گرفته از نظریه خالد مسعود)



FURTHER READING

- On the purposes of Islamic law: Muhammad Khalid Masud, “Gender Equality and the Doctrine of wilaya” in GEMFL.
- On maqasid, see also:
 - Muhammad Khalid Masud, *Shatibi’s Philosophy of Islamic Law* (Islamabad: Islamic Research Institute, 1995).
 - Mohammad Hashim Kamali, “Law and Ethics in Islam: The Role of the Maqasid,” in NDIT; Kamali, *Maqasid Al-shari’ah Made Simple* (London: The International Institute of Islamic Thought, 2008).
 - Jasser Auda, *Maqasid Al-shari’ah: A Beginners Guide* (The International Institute of Islamic Thought, 2008).
 - On the impact of codification of family law, see also: Amira Sonbol (ed.), *Women, the Family, and Divorce Laws in Islamic History* (Syracuse: Syracuse University Press, 1996)

رویکردهای جدید به متون مقدس

شارحان متون مقدس اسلامی، قرآن و سنت پیامبر، همواره تحت تاثیر زمینه های اجتماعی، باورهای متداول زمانه و چگونگی درک خود از مفهوم عدالت، اموری که دانما در حال تغییر هستند، به تفسیر این متون پرداخته اند. چنین تغییرات گسترده در محتوا و مفهوم عدالت، توجه مسلمانان را به لزوم بازخوانی متون با هدف کشف پیامهای اخلاقی و مساوات طلبانه اسلام جلب کرده است. خوانشی که احکام سنتی را به چالش بکشد و حاوی عدالت و تساوی حقوق برای زن و مرد باشد.

بطور مثال، الطاهر الحداد (۱۹۳۵-۱۸۸۹) بدینگونه استدلال میکند که احکام دینی در قرآن و سنت طی یک سیاست تدریجی اعمال شده اند، همانگونه که برای وضع حرمت شرب خمر گزارش شده است. بالاترین هدف در اسلام برابری انسانهاست، اما تحقق این امر در زمان حیات پیامبر و قرن هفتم امکان نداشت. به

متون دینی در لفافه ای از برداشتهای علمای دوران پیشامدرن بدست مسلمانان امروزی رسیده است.

همین دلیل هم با برده داری و هم با عدم تساوی حقوق جنسی به گونه ای مدارا شد؛

ولی قوانینی معرفی گردید تا مسیر حرکت به سوی آزادی کامل و برابری به ما نشان داده شود. علاوه بر این، الحداد تمایز آشکاری بین قوانینی که ضروری و اساسی اسلام به عنوان یک دین است و احکامی مانند چند همسری که مشروط و مقید به مقتضیات زمان و مکان می باشند، قائل شده است.

فضل الرحمن (۱۹۸۸-۱۹۱۹) نیز به نقد قرائت های پدرسالارانه از قرآن می پردازد. او معتقد است که قوانین قرآن درباره زنان بخشی از سیاست قرآن در تقویت اقشار ضعیف تر جامعه بوده و به منظور از بین بردن برخی از موارد نقض حقوق زنان و افزایش حقوق آنان وضع شده است. نقش اقتصادی زن و مرد ذاتی آنان نبوده و با دستیابی زنان به تحصیلات بالاتر و ورود

واضح است که هنجارهای قرآن و سنت در مواجهه با مسائلی هستند که نسل اول مسلمانان درگیر آن بود و البته به زبانی که برای آنان قابل فهم باشد و غالباً برای تشویق آنان به تغییر در رفتارهای اجتماعی خود. این متون دینی در لفافه ای از برداشتهای علمای دوران پیشامدرن بدست مسلمانان امروزی رسیده است. در جستجوی فهم کلام خدا، علم تفسیر شکل گرفت؛ علمی که منابع آن از فرضیات رایج و دانش بشری در سده های نخست اسلامی به گونه ای گسترده بهره برده بود.

حسن یوسفی اشکوری به این پیشفرض های شایع در منابع خارج از قرآن اشاره میکند، از جمله عقایدی از قبیل برتری مرد بر زن در خلقت؛ این مسأله که زنان به نوعی به شر مرتبط اند بنابراین باید تحت کنترل قرار گیرند؛ یا اینکه نظام خانواده پدرسالار واحد اساسی جامعه است و همچنین مفهوم ارسطویی از عدالت، یعنی «قرار دادن هر چیز در محل خود»، یک نظام سلسله مراتبی که انسانها را به دو گروه اربابان و برده ها تقسیم می کند. بدین خاطر محققین امروزی، به آن دسته از مسلمانان که در پی راهنمایی به آنان رجوع میکنند، براهمیت درک متون و تفاسیر با توجه به زمینه های اجتماعی، چه قدیم و چه جدید، تاکید میکنند.

بسیار بالاتر از خوانش فقه حاکم، با آن تمرکز محدود بر آیات الاحکام، وجود دارد.

تحقیقات جدید درباره جنسیت در متون مقدس، خواهان خوانش همه جانبه این متون، در زمینه ظهورشان و با هدف دستیابی به درکی اخلاقی از همه اصول است. اصولی مانند عدالت که یک اصل اساسی و فراگیر در قرآن و شامل هر دو جنس است؛ مانند ازدواج که میتوان آن را یک رابطه توأم با محبت و مسئولیت مشترک تعریف کرد و همانگونه که در بالا بحث شد این همان مقصد قوانین خانواده در اسلام است.

بازخوانی حدیث

حدیث یا گزارش از احوالات پیامبر (در سنت شیعه: پیامبر و امامان) به عنوان یکی از منابع چهارم اسلامی، نقش مهمی در تاریخ مسلمانان ایفا کرده است. امروزه بعضی از محققین در صدد ارزیابی مجدد متونی برآمده اند که برای توجیه تبعیض ها علیه زنان بکار برده شده است و در عوض سعی در برجسته کردن متونی دارند که مروج تساوی حقوق است. آنان معتقدند احادیث باید با در نظر گرفتن بستر و زمانه خودشان تفسیر شوند؛ احادیث اسناد تاریخی هستند که بررسی این اسناد باید در پرتو پویای اجتماعی جامعه عرب معاصرشان و تفکیک مقصد اصلی آنان از زمینه ای که باعث صدور شان شده است، صورت گیرد (علم اسباب الورد).

نقد حدیث امر جدیدی نیست. در دوران کلاسیک علوم اسلامی، زمانی که علمای حدیث شروع به اجتهاد از طریق نقد احادیث و قبول یا رد آنان بر مبنای وثاقت سلسله راویان و متون حدیث کردند، نقد حدیث رواج یافت. بنا بر گزارش فقیه الدین عبدالقادر، تاریخچه سنت خود حاکی از آن است که اصحاب پیامبر احادیث همدیگر را در صورتی که احساس می کردند حدیث معتبر نیست

به بازار کار تغییر خواهد کرد. اصلاحات قانونی باید به زنان در ازدواج، طلاق و ارث حقوق برابر با مردان بدهد.

مخالفتان برابری جنسیتی اغلب با نقل یک آیه و همراهی یک روایت در پشتیبانی آن و این ادعا که اینجا مسئله وجود نص صریح است و جایی برای اجتهاد باقی نمی ماند، در صدد خاموش کردن صدای اصلاح طلبان بر می آیند.

فضل الرحمن برای درک اصول قرآنی و انطباق آن با وضعیت فعلی، یک فرایند دو مرحله ای پیشنهاد می کند که مستلزم حرکت از زمان حاضر به زمان ظهور قرآن و سپس بازگشت از آن دوران به زمان حال است؛ این حرکت با درک زمینه اجتماعی-تاریخی وحی و با هدف استخراج ارزشها و اهداف بلند مدت، مستتر در پس بعضی از احکام، شروع می شود. بنا بر نظر فضل الرحمن تنها در این صورت است که مسلمانان اصول قرآنی را بدرستی درک کرده و قادر خواهند بود این اصول را در قانون و زمینه فعلی اعمال کنند.

مدافعان تبعیض جنسیتی اغلب با نقل یک آیه و همراهی یک روایت در پشتیبانی از آن و این ادعا که اینجا مسئله وجود نص صریح است و جایی برای اجتهاد باقی نمی ماند، در صدد خاموش کردن صدای اصلاح طلبان بر می آیند. مرحوم نصر حامد ابو زید از اصلاح طلبان میخواد در برابر چنین ادعاهایی مرعوب نشوند. او می گوید، حتی در عصر کلاسیک علوم اسلامی نیز علما درک کرده بودند که متنی به عنوان نص صریح بسیار کم است، اگر اصلاً وجود داشته باشد؛ در همان موارد اندک نیز در اینکه چه متنی نص است اتفاق نظر وجود نداشته است. علاوه بر این امکان خوانش قرآن در سطوحی

جعبه ۲: برابری جنسیتی در قرآن

همدیگر میکند. همچنین وظیفه عمومی امر به معروف و نهی از منکر نیز متفق بر عهده هر دو است ۷۱:۹

توصیف قرآن از زندگی زناشویی بر مبنای مساوات و محبت متقابل است. «... آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید...» ۲:۱۷۸، و «... از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد، آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است.» ۲۱:۳۰ - در تصمیم گیری درباره از شیر مادر گرفتن کودک رضایت طرفین و ... مشورت لازم است. ۲:۲۳۳

بسیاری از آیات قرآن امکان خوانشی بر اساس برابری جنسیتی را در خود دارند. زنان و مردان در خلقت برابرند ۴:۱، ۴۹:۱۳ و به همان اندازه واجد شرایط برای رستگاری و زندگی پس از مرگ ۴:۱۲۳، ۳:۱۹۵، ۱۶:۹۷، ۳۳:۳۵، ۴۰:۴۰،

آنها در مواجهه با جزا و پاداش چه در این دنیا و چه در دنیای دیگر مسئول اعمال خود می باشند. ۵:۳، ۲۴:۲، ۲۴:۲۶، ۲۴:۳۱، ۴۸:۵، ۴۸:۶، ۴۸:۲۵، ۵۷:۱۲، ۵۷:۱۳، مهمتر از همه، به زنان و مردان حقوق و مسئولیتهایی نسبت داده شده است که آنان را موظف به حفاظت از

است: «... زن نگهدارنده و مسئول خانه شوهر است. یک خدمتکار نگهدارنده و مسئول اموال ارباب خود است.»

با اینحال فقیه الدین عبدالقادر نشان میدهد چگونه خواندن متن در بستر خودش می تواند منجر به خوانشی فراتر از یک برداشت سطحی از مقوله قیمومت شود. خوانشی که وظیفه دو جنس را با تمرکز بر جنبه اخلاقی مسئولیت تاکید شده در حدیث تعیین میکند، وظیفه ای که در زمینه های اجتماعی متفاوت قابل تغییر خواهد بود. با توجه به این حدیث، در غیاب شوهر زن عملاً سرپرست کل خانواده است. امروزه با توجه به اینکه زن و مرد هر دو در خارج خانه کار میکنند پس می توان انتظار تغییر در نگرش به مسئله ولایت را داشت.

و یا بر خلاف قرآن است و یا با عقل و واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد، رد می‌کردند. او همچنین خاطر نشان میکند که علم حدیث به خودی خود یک استدلال قابل توجه برای برابری جنسیتی فراهم کرده است. با اینکه فقه در یک قرار داد مالی به عنوان شاهد، شهادت دو زن را برابر یک مرد قرار داده است، اما طبق همان فقه در مسئله بسیار پر اهمیت تر و با مسئولیت بیشتری مانند نقل حدیث، شهادت یک زن برابر شهادت یک مرد است.

قیمومت به عنوان یک مسئولیت اخلاقی

به عنوان مثال حدیث زیر اغلب به همراه آیه (نساء: ۳۴) برای توجیه سرپرستی مرد در خانه ذکر میشود:

«از رسول خدا شنیدم که گفت: "همه شما قیّم و مسئول چیزهایی که تحت مراقبت شما قرار دارند، هستید. یک رهبر مسئول افراد خود است و یک مرد قیّم خانواده اش و مسئول در قبال آنان

FURTHER READING

- On reading the Qur'an on multiple levels: Nasr Abu-Zayd, "The Status of Women between the Qur'an and Fiqh".
- On hadith in general, and for the contextual reading cited above: Faqihuddin Abdul Kodir, "Gender Equality and the Hadith of the Prophet Muhammad".
- On the assumptions of medieval scholars: Hassan Yousefi Eshkevari, Rethinking Men's Authority over Women".
- On Fazlur Rahman and al-Tahir al-Haddad: Ziba Mir-Hosseini, "Justice, Equality and Muslim Family Laws". (all in GEMFL)
- On hadith and gender, see also: Khaled Abou El Fadl, Speaking in God's Name: Islamic Law, Authority and Women (Oxford: Oneworld, 2001); Abou El Fadl, "Islamic Authority", in NDIT.
- On the Qur'an and gender, see also: Asma Barlas, Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an (Austin: University of Texas Press, 2002); Barlas, "'Hold(ing) fast by the best in the precepts' – The Qur'an and method", in NDIT; Amina Wadud, Qur'an and Women (Oxford: Oxford University Press, 1999).

پایه های سه گانه اصلاح

جنبشهای زنان مسلمان برای غلبه بر تضاد ظاهری میان تدین و تساوی حقوق در پی ایجاد همگرانی میان دین، حقوق و واقعیت هستند.

- به منظور تحقق تساوی حقوق زن و مرد در برابر قانون، بسیاری از محققین مسلمان و متعهد احساس نیاز مبرم به اصلاحات از درون سنت اسلامی میکنند. آنان همچنین بدنبال پر کردن شکاف بین گروههای سکولار و دینی، فعال در حوزه زنان هستند.
- واقعیت موجود زندگی زنان با در نظر گرفتن تجربیات سازمانهای غیر دولتی، محققین علوم اجتماعی و سایر کارشناسان در حوزه زنان.
- دین، متون مقدس و ارزشهای اسلام
- حقوق بشر. همانگونه که در WADEC²¹ و دیگر مناسبات بین المللی و قوانین اساسی ملل تدوین شده است.

زنان مسلمانی که قوانین پدرسالار را از درون سنت دینی به چالش میکشند و خواهان تساوی حقوق زن و مرد می باشند، طبعاً با شک و تردید مواجه میشوند. آیا زنان می توانند در برابر امری که تصور میشود فرمان الهی است موضع بگیرند و همچنان یک مسلمان خوب باقی بمانند؟

البته این امر چندان آسان نخواهد بود. زنان مسلمانی که قوانین پدرسالار را از درون سنت دینی به چالش میکشند و خواهان تساوی حقوق زن و مرد می باشند، طبعاً با شک و تردید مواجه میشوند؛ آیا زنان می توانند در برابر امری که تصور میشود فرمان الهی است موضع بگیرند و همچنان یک مسلمان خوب باقی بمانند؟

با این وجود حقیقت این است که تبعیض جنسیتی در مناسبات خانوادگی نه اختصاص به اسلام دارد و نه حتی وجه دینی یا اسلامی دارد. در واقع مبارزه زنان برای تساوی حقوق فراتر از مرزهای مذهبی و فرهنگی است.

جهت گیریهای متفاوت کشورهای اسلامی در سالهای اخیر و همچنین مباحثات داغی که بین مسلمانان محافظه کار و

همه فعالان اجتماعی در حوزه زنان، از سازمانهای غیر دولتی زنان مومن در مصر تا سازمانی بین المللی مانند «جنبش مساوات برای تساوی حقوق در خانواده»²⁰ به این نتیجه رسیده اند که زیر بنای مورد نیاز برای فعالیت باید بطور همزمان بر سه پایه زیر باشد:

²⁰ The International Musawah Movement for Equality in the Family

²¹ کدوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

FURTHER READING

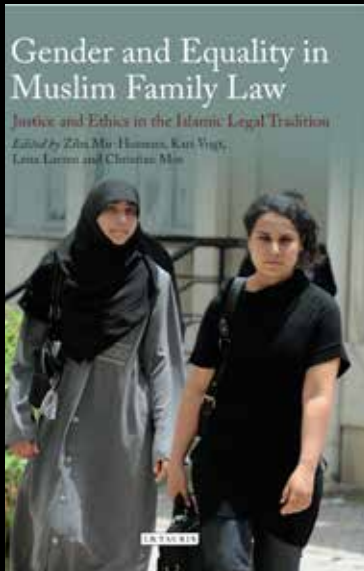
- Musawah Framework for Action, website, <http://www.musawah.org>.
- On Musawah: Zainah Anwar, “From Local to Global”, in GEMFL.
- On Egypt: Marwa Sharafeldin, “Egyptian Women’s Rights NGOs”, in GEMFL.
- For an elaboration of the triple reference: Collectif 95 Maghreb-Egalité, Guide to Equality in the Family in the Maghreb, <http://learningpartnership.org/guide-to-equality>.
- Ziba Mir-Hosseini, ‘Women in Search of Common Ground: Between Islamic and International Human Rights Law,’ in Anver Emon (ed), *Islamic and International Human Rights Law: Searching for Common Ground?* (Oxford University).

اصلاح طلب در جریان است خود نشان دهنده اهمیت موضوع قانون خانواده در اسلام است. می توان گفت شرایط اجتماعی عصر جدید به همراه درکی نو از زن و مرد و نگاهی متفاوت از گذشته به مقوله عدالت و از همه مهمتر مشکلات حادی که زنان در زندگی روزمره خود و در مواجهه با قوانینی که ارتباطی با واقعیات جهان امروز ندارند، منشاء جهت گیری ها و مباحثات مذکور هستند.

از لحاظ تاریخی قوانین اسلامی قادر به پاسخگویی به نیازهای جوامع مختلف با اتخاذ و انطباق راه حل های جدید بوده است و در واقع جریان اصلی محققین اسلامی بسرعت خود را با پیچیدگیهای مناسبات بین المللی در زمینه هایی مانند امور مالی در اسلام سازگار کرده اند. پس در حالی که بانکداران از مزایای اجتهاد بهره برده اند چرا زنان مسلمان نتوانند؟

علاوه بر آن، استدلالات علمی مورد بحث در اینجا نشان میدهد یک دیدگاه واحد در مورد قانون خانواده و برابری جنسیتی در اسلام وجود ندارد؛ آنچه هست مباحثات متعدد و تلاشهای صادقانه از سوی مومنینی است که در پی بازخوانی متون مقدس در جهان مدرن می باشند. این میان تشکلات زنان مسلمان نیز خواهان تساوی حقوق و دست یابی به جایگاه واقعی خود از طریق بازنگری در قانون خانواده در درون سنت اسلامی هستند.

استدلالات علمی مورد بحث در اینجا نشان میدهد یک دیدگاه واحد در مورد قانون خانواده و برابری جنسیتی در اسلام وجود ندارد؛ آنچه هست مباحثات متعدد و تلاشهای صادقانه از سوی مومنینی است که در پی بازخوانی متون مقدس در جهان مدرن می باشند. این میان تشکلات زنان مسلمان نیز خواهان تساوی حقوق و دست یابی به جایگاه واقعی خود از طریق بازنگری در قانون خانواده در درون سنت اسلامی هستند



ائتلاف اسلو شبکه ای است بین المللی متشکل از کارشناسان و نمایندگان از جوامع مذهبی و غیر مذهبی، دانشگاه ها، سازمان های غیر دولتی، سازمان های بین المللی و ملی (جامعه مدنی). محل استقرار این ائتلاف در دانشگاه اسلو می باشد و بودجه آن توسط دولت نروژ تامین می شود. این مرکز برای ترویج آزادی دین با آزادی عقیده پروژه های متعددی در نواحی مختلف جهان انجام داده است.

از سال ۲۰۰۴، پروژه تحقیقی ائتلاف اسلو، «افقهای جدید در اندیشه اسلامی»، شش کارگاه آموزشی بین المللی برگزار و دو کتاب پیرامون موضوعات بحث برانگیز اصلاح از درون سنت اسلامی منتشر کرده است.

در طول سالهای ۲۰۰۷-۲۰۱۲، پروژه مزبور مجموعه ای متنوع از کارشناسان مسلمان را به منظور بحث در باره برابری جنسیتی در قوانین خانواده در اسلام گرد هم آورد. همکاران این مجموعه شامل علمای دینی، کارشناسان در علوم اجتماعی، انسانی و حقوقی و همچنین فعالان سازمان های غیردولتی بودند. هدف این گروه ارائه اصلاحاتی در سنت اسلامی بود که با فهم جدید از عدالت همخوانی داشته باشد. ما تا بحال سه کارگاه آموزشی بین المللی در شهرهای مراکش و قاهره برگزار کرده ایم که کتاب Gender and Equality in Muslim Family Law و این گزارش بر اساس آن تهیه شده است.

این گزارش برای سیاست گذاران، علاقمندان و طرفداران اصلاحات طراحی شده است، اشخاصی که مایلند پروژه اصلاحات قانونی را از طریق استدلالات علمی و فقهی پیش ببرند. نوشته مشتمل بر استدلالات کلیدی است که توسط کارشناسان در کارگاههای آموزشی و به شیوه تبادل نظر و یا مکتوب عرضه شده است.

